

## رنج درستکاران و کامیابی شریان و پاسخ‌های به آن در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم)

mahmadtobi@yahoo.com

مظاهر احمدتوبی / استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان  
دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴

### چکیده

«رنج» چالش برانگیزترین مسئله در برابر ادیان است. این چالش در برابر خداپاوری یا ادیانی که به خدای واحد خیرخواه قادر مطلق اعتقاد دارند، مستقیم است. در این ادیان، اغلب گفته می‌شود که رنج کیفر گناه است؛ اما دشوار است در برابر رنج بی‌گناهان و کامیابی شریان، از این پاسخ حمایت کرد. به دلیل ناکافی بودن این پاسخ از یک سو، و لزوم پاسخ دادن به این مسئله از سوی دیگر، این مقاله بر آن است که با روش توصیفی و تحلیلی «رنج درستکاران و کامیابی شریان و پاسخ‌های به آن در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم)» را به بحث بگذارد. بنا بر عهد قدیم، درستکاران با هدف تطهیر و تأدیب الهی، تقبل مسئولیت سنگین عروج دیگران، کفاره بنی اسرائیل یا همه مردم جهان، و امتحان، رنج می‌کشند. گاهی نیز رنج آنان به سبب گناهان پدرانشان و کامیابی شریان به دلیل درستکاری پدران آنهاست. همچنین، بنا بر نظر گاهی، رنج درستکاران و کامیابی شریان فراتر از فهم عقل انسان است. گاهی نیز گفته می‌شود که رنج درستکاران بنا بر تقدیر خداست.

**کلیدواژه‌ها:** عهد قدیم، رنج درستکاران، کامیابی شریان.

همه جهان‌بینی‌های بزرگ، اعم از دینی و غیردینی، به وجود شر اذعان کرده‌اند (پترسون و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶). فیلسوفان و الهی‌دانان، قرن‌ها به این نکته متفطن بوده‌اند که «شر» ایمان دینی را جداً به مخاطره می‌افکند. در واقع بسیاری از متفکران معتقدند که مسئله شر جدی‌ترین نقد عقلانی بر اعتقاد به وجود خداست؛ تا آنجا که هانس کونگ (Hans Kung)، الهیدان آلمانی، این مسئله را «پناهگاه الحاد» خوانده است (همان، ص ۱۷۷؛ نیز ر.ک: یزدانی، ۱۳۸۸، ص ۷۲؛ رستمی، ۱۳۹۳، ص ۷۴۳). به عقیده شوپنهاور، که نه به وجود خدا اعتقاد دارد و نه وجود او را برای معناداری زندگی ضروری می‌داند، وجود رنج و تیره‌روزی مشهود در جای‌جای جهان، این باور را که جهان آفریده موجودی عالم، قادر و خیرخواه مطلق است، مخدوش می‌کند (به نقل از: رستمی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۱-۱۱۲). وجود رنج در جهان چالشی را در برابر ادیان ایجاد می‌کند. این چالش در برابر خدا باوری (theism) – که جهان‌بینی فلسفی‌ای است که وجود و بقای مراتب هستی (اشیای مادی، موجودات زنده و اشخاص) را وابسته به خدای واحد قائم بالذات – که تنها او شایسته پرستش است – تلقی می‌کند (برتوچی، ۲۰۰۵، ج ۱۳، ص ۹۱۰۲) – مستقیم است (کیپلتریک، ۱۹۲۱، ج ۱۲، ص ۱؛ پیکه، ۱۹۴۷، پیشگفتار، ص ۷). توحید طبیعتاً مسئله عدالت خدا را پیش می‌کشد. این امر به این دلیل است که توحید مسئولیت همه آنچه اتفاق می‌افتد را به خدای واحد نسبت می‌دهد و در عین حال صفات عدالت و رحمت را به او نسبت می‌دهد. این اعتقادات درباره ذات خدا موجب مشاجره می‌شود و آنچه «مسئله شر» خوانده می‌شود، به‌بار می‌آورد. مسئله این است که چطور با وجود خداوندی که هم قادر مطلق است و هم عادل، بی‌عدالتی آشکار در جهان رونق دارد. انسان‌ها به کامیابی شیرین و رنج درستکاران – که عدالت خدا را زیر سؤال می‌برد – اشاره می‌کنند. کتاب ایوب می‌گوید که قهرمان آن، زندگی پرهیزگاران‌ای را می‌گذراند؛ اما دچار مصیبت شد. چطور می‌توان خدا را عادل دانست، وقتی که توجیه اتفاقات جهانی دشوار است و تشخیص صفت رحمت هم دشوار است؟ بنابراین چطور خدای واحد، قادر مطلق، عادل و رحیم اجازه می‌دهد که چیزهای بد برای انسان‌های خوب اتفاق بیفتند؟ (بیوژنر، ۲۰۰۶، ص ۱۰۱). به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که وجود رنج در جهان با تصور خدای خیرخواه قادر مطلق در تضاد است. به نظر می‌رسد که اگر خدا خیرخواه باشد، نمی‌خواهد که مخلوقاتش رنج بکشند؛ و اگر او قادر مطلق باشد، می‌تواند مانع رنج آنها شود (شوارتزچایلد، ۲۰۰۷، ج ۱۹، ص ۲۹۱). «قیاس ذووچین اپیکور (Epicurus) هنوز با ماست: اگر خدا می‌خواهد مانع شر شود، اما نمی‌تواند، در این صورت ناتوان است؛ اگر او می‌تواند، اما نمی‌خواهد، در این صورت بدخواه است؛ اگر او هم قدرت دارد و هم اراده، در این صورت، شر از کجاست؟» (کیپلتریک، ۱۹۲۱، ج ۱۲، ص ۱؛ نیز ر.ک: قرجالو و جاهد، ۱۳۹۱، ص ۶-۷). رنج را می‌توان به تجربه موجودات زنده در وضعیت‌هایی که مستلزم درد جسمی و روحی است و معمولاً همراه با حس غم، ناکامی و ضعف در برابر تأثیرات نامطلوب است، تعریف کرد (بمپراد، ۲۰۰۵، ج ۱۴، ص ۸۸۰۴). ما وقتی دچار غم و اندوه می‌شویم، از هدف زندگی سؤال می‌کنیم و به دنبال معنا در جهانی می‌گردیم که به چنین دردی پناه می‌دهد (همان).

بنا بر کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) و قرآن کریم، بین رنج و گناه ارتباط مستقیم وجود دارد؛ به این معنا که رنج نتیجهٔ گناه است (همان، ص ۸۸۰۵، ۸۸۰۶، ۸۸۰۸). «هر که ظلم بکارد، بلا خواهد دروید...» (کتاب امثال سلیمان ۲۲: ۸)؛ «... هر که شمشیر گیرد، به شمشیر هلاک گردد» (انجیل متی ۲۶: ۵۲)؛ «خود را فریب مدهید؛ خدا را استهزا نمی‌توان کرد؛ زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد» (رسالهٔ پولس رسول به غلاطیان ۶: ۷)؛ «... وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ «... و خدا به آنان ستم نکرده، بلکه آنان خود بر خویشان ستم کرده‌اند» (آل عمران: ۱۱۷).

در این پاسخ به رنج، عنصری تعلیمی وجود دارد؛ تا آنجا که انسان را تشویق می‌کند که برای احتراز از رنج، از گناه اجتناب کند؛ اما دشوار است در برابر رنج بی‌گناهان و کامیابی شیربران، از این پاسخ حمایت کرد (شوارتزچایلد، ۲۰۰۷م، ج ۱۹، ص ۲۹۲). با توجه به عدم کفایت این پاسخ از یک سو، و لزوم پاسخ دادن به این مسئله از سوی دیگر، ما در این مقاله بر آنیم که این موضوع، یعنی «رنج درستکاران و کامیابی شیربران و پاسخ‌های به آن در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم)» را بررسی کنیم.

### ۱. رنج در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم)

کتاب مقدس عبری (the Hebrew Bible) یا عهد قدیم (the Old Testament) از همان آغاز، از رنج به‌عنوان ویژگی حیات بشری آگاه است و واقعیت کامل شر و رنج را تأیید می‌کند (همان، ج ۱۹، ص ۲۹۱، ۲۹۲)؛ «و به آدم گفت: چون که سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد» (سفر پیدایش ۳: ۱۷)؛ «بلکه انسان برای مشقت مولود می‌شود...» (کتاب ایوب ۵: ۷).

بنا بر عهد قدیم، خدا نه تنها خالق خوبی و خیر است، بلکه همچنین خالق بدی و شر است؛ از این رو رنج امری وجودی است: «... من یهوه هستم و دیگری نی؛ پدید آورندهٔ نور و آفرینندهٔ ظلمت؛ صانع سلامتی و آفرینندهٔ بدی. من یهوه صانع همهٔ این چیزها هستم» (کتاب اشعای نبی ۴۵: ۶-۷)؛ اما در کتاب نماز، (the liturgy) این آیه به «صانع سلامتی و آفرینندهٔ همهٔ آنچه که وجود دارد» تغییر می‌یابد که تلویحاً می‌گوید: خود بدی و شر، احتمالاً نه اصلاً پدیده‌ای ایجابی، بلکه عمدتاً فقدان خوبی و خیر است (اگوس، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۲).

از آنجا که یهودیت جهان را بر حسب خالق تصور می‌کند که هم قادر مطلق است و هم عادل، چیزی اساسی‌تر از این دو سؤال ایمان یهودی را به پرسش نمی‌گیرد: چرا شیربران کامیاب می‌شوند؟ چرا بی‌گناهان رنج می‌کشند؟ (کارف و گلدنبرگ، ۱۹۹۳م، ص ۳۰۵).

بنا بر عهد قدیم، بین رنج و گناه از یک سو، و بین شادی و عمل نیکو از سوی دیگر، رابطهٔ مستقیمی وجود دارد (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۸۰۵). بر طبق سفر تثنیه، باب‌های ۲۷-۳۰، وفاداری به یهوه موجب زندگی پربرکت و رفاه، و پرستش خدایان دیگر به‌طور اجتناب‌ناپذیری باعث رنج و مرگ خواهد شد (هریس و پلنزنر، ۲۰۰۸م،

ص ۱۲۳؛ هَرِیس، ۲۰۱۱م، ص ۶۳). وفاداری به شروط اخلاقی و دینی عهد رفاه و صلح، و شرارت طاعون، قحطی و جنگ را به بار می آورد (گرین، ۲۰۰۵م، ج ۱۳، ص ۹۱۱۵). خدا درستکاران را با اعطای رفاه و آسایش پاداش می دهد و شریران را با نابودی مجازات می کند: «اگر خواهش داشته، اطاعت ننماید، نیکویی زمین را خواهید خورد؛ اما اگر ایبا نموده، تمرّد کنید، شمشیر شما را خواهد خورد؛ زیرا که دهان خداوند چنین می گوید» (کتاب اشعیای نبی ۱: ۱۹-۲۰)؛ «عادلان را بگویند که ایشان را سعادت‌مندی خواهد بود؛ زیرا از ثمره اعمال خویش خواهند خورد. وای بر شریران که ایشان را بدی خواهد بود؛ چون که مکافات دست ایشان به ایشان کرده خواهد شد» (کتاب اشعیای نبی ۳: ۱۰-۱۱). وفاداری به فرامین خدا، «باران زمین ... در موسمش» را به بار خواهد آورد (سفر تثنیه ۱۱: ۱۴) و نافرمانی از فرامین خدا باعث خواهد شد که خدا «... آسمان را مسدود سازد و باران نبارد و زمین محصول خود را ندهد...» (سفر تثنیه ۱۱: ۱۷) (راینوویتز، ۲۰۰۷م، ج ۱۷، ص ۲۶۹، ۲۷۰؛ نیز نک: موریسون و براون، ۲۰۰۹م، ص ۸۰). پاداش احترام به پدر و مادر این خواهد بود که «... روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می بخشد، دراز شود» (سفر خروج ۲۰: ۱۲) (راینوویتز، ۲۰۰۷م، ج ۱۷، ص ۲۶۹).

باری، بنا بر عهد قدیم، آدمی خود باعث رنج خودش می شود و آن عمدتاً از گناه یا نافرمانی انسان از فرامین خدا ناشی می شود و در نتیجه، آن کیفر و کفاره عادلانه گناه اوست (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۸۰۵، ۸۸۰۶؛ پیکه، ۱۹۴۷م، ص ۱).

رنج به عنوان کیفر گناه، در تفکر ربّی‌ها نیز دیده می شود. تلمود می گوید: «اگر انسانی می بیند که رنجی دردناک بر سر او فرود می آید، او باید رفتار خود را واری کند» (به نقل از: گرین، ۲۰۰۵م، ج ۱۳، ص ۹۱۱۶)؛ «هیچ رنجی بدون گناه نیست» (همان). در این مورد نقل شده است که «ربّی هیلّ (Rabbi Hillel) جمجمه‌ای را که بر روی سطح آب شناور بود، دید و گفت: از آنجاکه تو دیگران را غرق کردی، غرق شدی؛ و کسانی که تو را غرق کردند، غرق خواهند شد» (پیرکی اووس، ۲۰۱۴م، ص ۳۰؛ کِرِنشواو، ۲۰۰۵م، ص ۱۱۸؛ راینوویتز، ۲۰۰۷م، ج ۱۷، ص ۲۶۹). حضرت عیسی علیه السلام نیز رنج را به عنوان کیفر گناه شخص تأیید می کند: «و وقتی که می رفت، کوری مادرزاد دید؛ و شاگردانش از او سؤال کرده، گفتند: ای استاد! گناه که کرد؛ این شخص یا والدین او، که کور زاییده شد؛ عیسی جواب داد که گناه نه این شخص کرد و نه پدر و مادرش...» (انجیل یوحنا ۹: ۱-۳).

این کیفر در برابر گناه، ابتدا مسئولیت جمعی بوده است؛ به این معنا که کیفر گناه نه تنها گریبانگیر شخص گناهکار می شده است، بلکه خویشان و اعقاب وی نیز دچار کیفر گناه وی می شده‌اند: «نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت نمما؛ زیرا من که یهوه، خدای تو می باشم، خدای غیور هستم که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سیّم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند، می گیرم» (سفر خروج ۲۰: ۵)؛ «... لکن گناه را هرگز بی سزا نخواهد گذاشت؛ بلکه خطایای پدران را بر پسران و پسران پسران ایشان تا پشت سیّم و چهارم خواهد گرفت» (سفر خروج ۳۴: ۷)؛ «و بقیه شما در زمین دشمنان خود در گناهان خود فانی خواهند شد و در گناهان پدران خود نیز فانی خواهند شد»

(سفر لاویان ۲۶: ۳۹)؛ «تسلّی دهید! قوم مرا تسلّی دهید! خدای شما می‌گوید: سخنان دل‌آویز به اورشلیم گویند و او را ندا کنید که اجتهاد او تمام شده و گناه وی آرمزیده گردیده و از دست خداوند برای تمامی گناهانش دوچندان یافته است» (کتاب اشعیای نبی ۴۰: ۱-۲)؛ «و وقتی که می‌رفت، کوری مادرزاد دید؛ و شاگردانش از او سؤال کرده، گفتند: ای استاد! گناه که کرد؛ این شخص یا والدین او، که کور زاییده شد؟ عیسی علیه السلام جواب داد که گناه نه این شخص کرد و نه پدر و مادرش ...» (انجیل یوحنا ۹: ۱-۳). تنها در طی اسارت بابل و بعد از آن است که **حزقیال نبی** مسئولیت فردی را اعلام می‌کند: «هرکه گناه کند، او خواهد مُرد. پسر متحمّل گناه پدرش نخواهد بود و پدر متحمّل گناه پسرش نخواهد بود. عدالتِ مرد عادل بر خودش خواهد بود و شرارتِ مرد شریر بر خودش خواهد بود» (کتاب حزقیال نبی ۱۸: ۲۰).

باری، بنا بر عهد قدیم و تلمود، رنج کبیر گناه است. این کبیر ابتدا جمعی بوده است و بعد فردی می‌شود. با وجود این، حس مسئولیت گروهی هرگز بنی‌اسرائیل را ترک نکرده است (کارف و گلدنبرگ، ۱۹۹۳م، ص ۲۸۵).

در مقابل این ادعا که شر و بدی تنها به شیربران و گناهکاران می‌رسد، **ارمیای نبی** می‌خواهد بداند که چرا شیربران کامیاب می‌شوند و بی‌گناهان رنج می‌کشند: «ای خداوند! تو عادل تر هستی از اینکه من با تو محاجّه نمایم؛ لیکن درباره احکامات با تو سخن خواهیم راند. چرا راه شیربران برخوردار می‌شود و جمیع خیانتکاران ایمن می‌باشند؟» (کتاب ارمیای نبی ۱۲: ۱) (همان، ص ۳۰۵). همچنین حضرت **ایوب علیه السلام** سؤال می‌کند: «را تعالیم دهید و من خاموش خواهم شد؛ و مرا بفهمانید که در چه چیز خطا کردم؟» (کتاب ایوب ۶: ۲۴).

دشوار است در برابر رنج بی‌گناهان و کامیابی شیربران از این پاسخ حمایت کرد (شوارترتْ چایلد، ۲۰۰۷م، ج ۱۹، ص ۲۹۲). «این همه را در روزهای بطالت خود دیدم: مرد عادل هست که در عدالتش هلاک می‌شود و مرد شریر هست که در شرارتش عمرِ دراز دارد» (کتاب جامعه ۷: ۱۵).

پس از بیان اجمالی پاسخ کلاسیک عهد قدیم و تلمود به مسئله رنج، در ادامه به بررسی پاسخ‌های عهد قدیم به رنج درستکاران و کامیابی شیربران - که موضوع اصلی مقاله است - می‌پردازیم.

## ۲. پاسخ‌های کتاب مقدس عبری (عهد قدیم) به رنج درستکاران و کامیابی شیربران

### ۲-۱. رنج درستکاران به‌منابۀ امتحان

یکی از پاسخ‌های کتاب مقدس عبری (عهد قدیم) به رنج درستکاران این است که رنج احتمالاً از جانب خدا به‌عنوان امتحان یا آزمون ناشی می‌شود (اگوس، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۳): «و واقع شد بعد از این وقایع، که خدا ابراهیم را امتحان کرده ...» [سیفر پیدایش ۲۲: ۱]. بنا بر **میشنا آووس** (the Mishna Avos)، موسوم به **پیرکی آووس** (Pirkei Avos)، که یکی از آثار کلاسیک مهم و تکمیلی ادبیات ربّی‌ها درباره تعلیمات درست

اخلاقی یهودی است، حضرت ابراهیم علیه السلام ده مرتبه امتحان شد و از عهده هر یک از آنها برآمد. خدا این کار را انجام داد تا نشان دهد که او چقدر حضرت ابراهیم علیه السلام را دوست دارد؛ زیرا در این صورت، خدا می‌توانست حضرت ابراهیم علیه السلام را ده برابر پاداش دهد. آن ده امتحان عبارت‌اند از: ۱. کوره‌ای که نمرود در اُور کاسدیم {کَلْدَانیان} (Ur Casdim) او را در آن انداخت؛ ۲. ترک وطن و خویشاوندانش؛ ۳. قحطی؛ ۴. ازدواج با دختر فرعون، هاجر؛ ۵. جنگ با پادشاهان؛ ۶. از طریق نبوت به او نشان داده شد که اخلاف او برده خواهند شد؛ ۷. ختنه او؛ ۸. ربودن ساره توسط آبی‌ملیک؛ ۹. بیرون کردن هاجر و اسماعیل؛ ۱۰. قربانی کردن اسحاق. روایت دیگری «ربودن ساره توسط فرعون» را جایگزین می‌کند و «طلاق دادن هاجر» و «بیرون کردن اسماعیل» را به‌عنوان دو امتحان جداگانه فهرست می‌کند و «کوره» و «نبوت بردگی» را به‌حساب نمی‌آورد. گِرا (The Gra) فهرست زیر را روایت می‌کند: ۱. وقتی که {حضرت} ابراهیم علیه السلام، جد ما، متولد شد، همه زورمندان در پادشاهی می‌خواستند او را بکشند. بنابراین آنها او را به مدت سیزده سال در خاک دفن کردند و او در تمام آن مدت نور خورشید یا نور ماه را ندید؛ ۲. او به مدت ده سال اسیر بود و سپس در کوره انداخته شد؛ زیرا آن می‌گوید: «وقتی که تو از اُور کاسدیم بیرون برده شدی»، که به معنای کوره کاسدیم است؛ ۳. ترک خانه و خویشاوندانش؛ ۴. قحطی؛ ۵. دزدیدن ساره؛ ۶. جنگ با پادشاهان؛ ۷. وقتی که خدا به {حضرت} ابراهیم علیه السلام در رؤیایی گفت که ترسد؛ زیرا که او حامی وی است؛ ۸. ختنه او؛ ۹. وقتی که او هاجر و اسماعیل را بیرون کرد؛ ۱۰. قربانی کردن اسحاق (پیرکی اووس، ۲۰۱۴م، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ نیز ر.ک: صادق‌نیا و نائیجی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰). همچنین در کتاب مزامیر آمده است: «زیرا ای خدا! تو ما را امتحان کردی...» (کتاب مزامیر ۶۶: ۱۰). از مکالمه خدا و شیطان در آغاز کتاب ایوب معلوم می‌شود که رنج حضرت ایوب علیه السلام که «... مرد کامل و راست و خداترس بود و از بدی اجتناب می‌نمود» (کتاب ایوب ۱: ۱)، از برای امتحان او بوده است:

خداوند به شیطان گفت: آیا در بنده من، ایوب، تفکر کردی که مثل او در زمین نیست؟ مرد کامل و راست و خداترس، که از گناه اجتناب می‌کند! شیطان در جواب خداوند گفت: آیا ایوب مجانا از خدا می‌ترسد؟ آیا تو گرد او و گرد خانه او و گرد همه اموال او، به هر طرف حصار نکشیدی و اعمال دست او را برکت ندادی و مواشی او در زمین منتشر نشد؛ لیکن الآن دست خود را دراز کن و تمامی مایملک او را لمس نما و پیش روی تو، تو را ترک خواهد نمود» (کتاب ایوب ۱: ۸-۱۱) (ر.ک: پورمحمدی، ۱۳۹۲، ص ۲۹).

باری، گاهی رنج درستکاران به دلیل امتحان آنها واقع می‌شود و آن در مورد حضرت ایوب علیه السلام با اغوای شیطان، عضو شورای یهوه که در مقام مدعی العموم خدا خدمت می‌کند و در اینجا اسم خاص نیست (هریس و پلترنر، ۲۰۰۸م، ص ۳۲۷؛ هریس، ۲۰۱۱م، ص ۲۲۵)، صورت می‌گیرد؛ ولی در حال این امتحان برای معلوم کردن صداقت پرهیزگاری و وفاداری کامل حضرت ایوب علیه السلام به خدا، تنها برای خود خدا و نه به دلیل اعطای فرزندان، اموال و شهرت به او توسط خداست.

## ۲-۲. رنج درستکاران کیفر گناهان پدران، و کامیابی شریران پاداش درستکاری پدران

یکی دیگر از پاسخ‌های عهد قدیم به رنج درستکاران این است که آن گاهی از جانب خدا به دلیل گناهان پدران آنها ناشی می‌شود (اگوس، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۳): «نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من که یهوه، خدای تو می باشم، خدای غیور هستم که انتقام گناه پدران را از پسران و تا پشت سیّم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند، می گیرم» (سفر خروج ۲۰: ۵)؛ «... لکن گناه را هرگز بی سزا نخواهد گذاشت؛ بلکه خطایای پدران را بر پسران و پسران پسران ایشان تا پشت سیّم و چهارم خواهد گرفت» (سفر خروج ۳۴: ۷)؛ «... پدران اَنگور ترش خوردند و دندان‌های پسران کُند گردید» (کتاب حزقیال نبی ۱۸: ۲). حضرت عیسی علیه السلام نیز در عهد جدید رنج به‌عنوان کیفر گناه پدر و مادر را تأیید می‌کند: «و وقتی که می‌رفت، کوری مادرزاد دید؛ و شاگردانش از او سؤال کرده، گفتند: ای استاد! گناه که کرد؛ این شخص یا والدین او، که کور زاییده شد؛ عیسی جواب داد که گناه نه این شخص کرد و نه پدر و مادرش ...» (انجیل یوحنا ۹: ۱-۳). از همین جا نیز می‌توان نتیجه گرفت که کامیابی شریران، گاهی از جانب خدا به دلیل درستکاری پدران آنها ناشی می‌شود: «و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند، رحمت می‌کنم» (سفر خروج ۲۰: ۶). به عبارت دیگر، انسان درستکار گاهی رنج می‌کشد، به این دلیل که احتمالاً نسل پدران درستکار نبوده است؛ درحالی‌که انسان شریر به دلیل شایستگی پدرانش کامیاب می‌شود (اگوس، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۳).

همین مطلب در مورد نسل‌ها هم صادق است؛ چنان که بخش‌های مربوط به اسارت بابل تاریخ سفر تثبیه‌ای، رنج نسل حزقیال را به گردن گناهان نسل قبلی، به‌ویژه شرارت مَنَسّی (Manasseh)، می‌اندازد (کار، ۲۰۱۰م، ص ۱۷۵): «اما خداوند از حدّت خشم عظیم خود برنگشت؛ زیرا که غضب او به‌سبب همه کارهایی که مَنَسّی خشم او را از آنها به هیجان آورده بود، بر یهودا مشتعل شد. و خداوند گفت: یهودا را نیز از نظر خود دور خواهیم کرد؛ چنان که اسرائیل را دور کردم؛ و این شهر اورشلیم را که برگزیدم و خانه‌ای را که گفتم اسم من در آنجا خواهد بود، ترک خواهیم نمود» (کتاب دوم پادشاهان ۲۳: ۲۶-۲۷).

باری، گاهی رنج درستکاران به‌سبب گناهکاری پدران آنهاست. گاهی نیز ممکن است رنج یک نسل به دلیل گناهان نسل قبلی، به‌ویژه گناه یک پادشاه، اتفاق بیفتد.

## ۲-۳. رنج درستکاران به‌مثابه تطهیر و تأدیب الهی

یکی دیگر از پاسخ‌های عهد قدیم به مسئله رنج درستکاران این است که آن گاهی یک فرایند تطهیر الهی (شوارتزچاپلند، ۲۰۰۷م، ج ۱۹، ص ۲۹۲) یا لازمه رشد معنوی (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۰۵) یا نوعی تعلیم و تأدیب الهی است (لویسنسون، ۲۰۰۴م، ص ۳۸۵؛ فاکس، ۲۰۰۴م، ص ۱۴۵۳). درست همان‌گونه که پدر و مادر بامحبت گاه کودک را تنبیه می‌کنند، خدا هم گاه کسانی را که دوست دارد، تنبیه می‌کند (لانگ، ۲۰۰۲م، ص ۱۹۹): «ای پسر من! تأدیب خداوند را خوار م شمار و توبیح او را مکروه مدار؛ زیرا خداوند هر که را دوست دارد، تأدیب می‌نماید؛

مثل پدر پسر خویش را که از او سرور می‌باشد» (کتاب امثال سلیمان نبی ۳: ۱۱-۱۲): «پس در دل خود فکر کن که به طوری که پدر پسر خود را تأدیب می‌نماید، یهوه خدایت تو را تأدیب کرده است» (سفر تثبیه ۸: ۵): «اینک تو را قال گذاشتم؛ اما نه مثل نقره، و تو را در کوره مصیبت آزمودم» (کتاب اشعای نبی ۴۸: ۱۰): «که آن را به پدران شما در روزی که ایشان را از زمین مصر از کوره آهنین بیرون آوردم، امر فرموده، گفتم: قول مرا بشنوید و موافق هر آنچه به شما امر بفرمایم، آن را به‌جا بیاورید تا شما قوم من باشید و من خدای شما باشم» (کتاب ارمیای نبی ۱۱: ۴): «لیکن خداوند شما را گرفته، از کوره آهن از مصر بیرون آورد تا برای او قوم میراث باشید؛ چنان‌که امروز هستیید» (سفر تثبیه ۴: ۲۰). *راشی (شَلُومُوهُ بِنِ یִשְׁחָق)* (Rashi (Shelomoh ben Yitshaq)) «کوره آهن» را به معنای کوره‌ای که از آهن برای تصفیۀ فلز قیمتی از قبیل نقره یا طلا ساخته شده است، تفسیر می‌کند. *سَمُوئیل دَبُویِد لُوزَانُتُو* (Samuel David Luzzatto) آن را به معنای کوره‌ای برای تصفیۀ آهن تفسیر می‌کند و بر هدف تطهیری رنج تأکید می‌نماید (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۸۰۵). باری لازم است آهن وجود انسان درستکار، برای اینکه تصفیه گردد، در کوره رنج نقتیده شود. همان‌گونه که ورزشکار برای اینکه در مسابقه برنده شود، لازم است به تمرین‌های سخت تن دردهد، انسان درستکار هم برای اینکه در معنویت رشد کند، لازم است رنج‌های زیادی را تحمل کند.

رنج بینش ویژه‌ای به انسان می‌بخشد و به تعالی از خود و علاقه به دیگران منتهی می‌شود؛ بدون رنج، انسان بی‌احساس و غرق در خودخواهی و خودمحوری است (همان): «و بر شخص غریب ظلم منما؛ زیرا که از دل غریبان خبر دارید؛ چون که در زمین مصر غریب بودید» (سفر خروج ۲۳: ۹). رنج درستکاران را قادر می‌سازد که فضایی از قبیل صبر و ایمان را شکوفا کنند (اگوس، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۳): «ای یاه! خوشا به حال شخصی که او را تأدیب می‌نمایم و از شریعت خود او را تعلیم می‌دهی» (کتاب مزامیر ۹۴: ۱۱): «مرا نیکوست که مصیبت را دیدم تا فرایض تو را بیاموزم» (کتاب مزامیر ۱۱۹: ۷).

**تلمود** چنین رنجی را «مصائب عشق» (afflictions of love) می‌خواند. گمان می‌رود که رنج شکل نهایی تطهیر الهی است که به اتحاد عرفانی (unio mystica) منتهی می‌شود (شوارتزچایلد، ۲۰۰۷م، ج ۱۹، ص ۲۹۲؛ ر.ک: اگوس، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۳). در این مورد نقل شده است که *عَقِیوَاء بِنِ یُوسِیف* (Aqiva bin Yosef) – که رومی‌ها او را در موقع شورش بار کوخبا (Bar Kokhba) به شهادت رساندند – در هنگام شکنجه‌اش خندید. وقتی شکنجه‌گرش از او سؤال کرد که چرا خندیده است، *عَقِیوَاء* جواب داد که در تمام عمرش شِمَع (شنو) ((“Hear” the Shema)) – «ای اسرائیل! بشنو؛ یهوه، خدای ما یهوه واحد است. پس یهوه، خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما» – خوانده است (سفر تثبیه ۶: ۴-۵؛ نیز ر.ک: سفر تثبیه ۱۱: ۱۳) و اینک در میان شکنجه‌هایش فهمیده است که سرانجام فرصت تحقق بخشیدن به این فرمان به او داده شده است. از نظر *عَقِیوَاء* و نیز از نظر بسیاری از یهودیانی که به او توجه می‌کردند، رنج موجب فیض الهی می‌شود. در میان رنج، این یهودیان حضور خدایی را تجربه می‌کردند که هدف او، به‌بهای سنگین رنج خودش و رنج قومش، تبدیل کردن بنی‌اسرائیل به یک جامعه مقدس بود (گرین، ۲۰۰۵م، ج ۱۳، ص ۹۱۱۶).



باری، گاهی خدا درستکاران را از روی عشقی که به آنها دارد، مثل عشق پدر به پسر، در کورهٔ مصائب می‌اندازد تا که آنها را از رداییلی از قبیل خودخواهی تصفیه کند و به فضاییلی از قبیل صبر و ایمان بیاراید؛ شریعت و فرائض خود را به آنها تعلیم دهد و آنها را به مقام وصال یا اتحاد با خود تعالی بخشد و نائل کند.

#### ۴-۲. رنج درستکاران کفارهٔ بنی‌اسرائیل یا همهٔ مردم جهان (رنج نیابتی)

یکی دیگر از پاسخ‌های عهد قدیم به رنج درستکاران این است که گاهی آنها رنج می‌کشند تا بنی‌اسرائیل یا همهٔ مردم جهان را کفاره دهند (اگوست، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۴). حضرت موسی علیه السلام نه به دلیل گناه خودش، بلکه به‌طور نیابتی به‌سبب گناه بنی‌اسرائیل اجازه نمی‌یابد که وارد کنعان، سرزمین موعود، شود و در سرزمین موآب وفات می‌کند (لویسنون، ۲۰۰۴م، ص ۳۶۵): «و خداوند به‌خاطر شما بر من خشم نموده، گفت که تو هم داخل آنجا نخواهی شد» (سفر تنبیه ۱: ۳۷؛ ۳: ۲۶؛ ۳۴: ۵).

میدراش‌های (Midrashim) بی‌شماری آموزهٔ رنج نیابتی را می‌پذیرند. دربارهٔ غزل‌غزل‌های سلیمان، رابا (Raba) می‌گوید: «همچنان که کیوتر گردنش را برای ذبح‌کننده دراز می‌کند، همین‌طور هم بنی‌اسرائیل گردنش را برای خدا دراز می‌کند؛ زیرا گفته شده است: هرآینه به‌خاطر تو تمامی روز کشته می‌شویم و مثل گوسفندان ذبح شمرده می‌شویم» (کتاب مزامیر ۴۴: ۲۲). چنان که کیوتر گناهان را کفاره می‌دهد، بنی‌اسرائیل هم ملت‌ها را کفاره می‌دهد. مفهوم «بندۀ رنج‌کش» (suffering servant)، که نماد عالی رنج نیابتی است، در کتاب *اشعیاوی نبی* ۵۳: ۳-۶ یافت می‌شود:

خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غم‌ها و رنج‌دیده و مثل کسی که روی‌ها را از او بیوشانند و خوارشده، که او را به‌حساب نیابردیم؛ لکن او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود؛ و ما او را از جانب خدا زحمت‌کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم؛ و حال آنکه به‌سبب تقصیرهای ما مجروح و به‌سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخم‌های او ما شفا یافتیم. جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۸۰۶).

بندۀ رنج‌کش می‌تواند کفیری را که به قوم تعلق دارد، به‌عهده بگیرد و بدین‌وسیله می‌تواند بخشش را از جانب خدا برای قوم به‌ارمغان بیاورد (اشمیت، ۱۹۴۳م، ص ۲۹۴). این مسئله را که اصطلاح بندۀ رنج‌کش به یک فرد اشاره دارد یا به قوم بنی‌اسرائیل به‌طور کلی، می‌توان به این طریق حل کرد که آن به‌معنای هر دو است؛ بدین‌معنا که نبی برای بنی‌اسرائیل است؛ چنان‌که بنی‌اسرائیل برای ملت‌هاست. درست همان‌طور که ملت‌ها در برابر شهادت بنی‌اسرائیل مقاومت می‌کنند، بنی‌اسرائیل هم در برابر کلام نبی مقاومت می‌کند (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۸۰۶). به‌نظر *اشعیاوی دوم*، پیامبر اسارت بابل، رنج‌های بنی‌اسرائیل نه‌تنها آن قوم را از گناهان تطهیر کرد، بلکه همچنین قلوب غیریهودیان ناظر را منتبه کرد و به‌طور نیابتی آنها را نجات داد. سرانجام، پادشاهان غیریهودی و قوم آنها - که عمیقاً

متأثر شده‌اند - می‌فهمند که از طریق رنج‌های بنده خدا، بنی‌اسرائیل، درستکاری به آنها توصیه شده است و هدایت شده‌اند که آن را در پیش گیرند. ویژگی اخلاقی خدای حقیقی در ویژگی اخلاقی بنده رنج‌کش او برای آنها آشکار شده است (ناس، ۱۹۵۵م، ص ۵۲۵، ۵۲۷). به عبارت دیگر، به عقیده اشعیاوی دوم، بنی‌اسرائیل قربانی بقیه جهان است؛ بدین معنا که بنی‌اسرائیل گناهان و کیفرهای دیگر ملت‌ها را به‌عهده می‌گیرد؛ درست به همان طریقی که به‌عقیده مسیحیان، عیسی مسیح گناهان و کیفرهای آنها را به‌عهده می‌گیرد (کارپش و هروپتیز، ۲۰۰۶م، ص ۵۱۹). باری، گاهی رنج بنده درستکار کفاره دیگران است. حضرت موسی علیه السلام و بنده رنج‌کش به‌عنوان نبی، گناهان و کیفرهای قوم بنی‌اسرائیل، و قوم بنی‌اسرائیل گناهان و کیفرهای بقیه جهان یا ملت‌ها را کفاره می‌دهند.

۲-۵. رنج درستکاران برای اتمام کیفر کامل در این جهان و دریافت پاداش کامل در آخرت، و کامیابی شیرین برای اتمام پاداش کامل در این جهان و دریافت کیفر کامل در آخرت

یکی دیگر از پاسخ‌های عهد قدیم به مسئله رنج بی‌گناهان و کامیابی شیرین، صورت‌بندی آموزه پاداش و کیفر کامل در حیات آخری است (شوارتز چایلد، ۲۰۰۷م، ج ۱۹، ص ۲۹۲؛ بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۸۰۶): «و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد؛ اما اینان به‌جهت حیات جاودانی؛ و آنان به‌جهت خجالت و حقارت جاودانی» (کتاب دانیال نبی ۱۲: ۲). گناهکاران کامیاب‌اند؛ به این دلیل که تمام پاداش‌هایی که ممکن است شایسته آن باشند، به‌طور کامل در این جهان دریافت کنند و هیچ‌گونه پاداشی برای آنها در جهان آخرت باقی نمانده باشد و در نتیجه در آن جهان کیفر کامل دریافت کنند. همین‌طور هم درستکاران رنج می‌کشند؛ به این دلیل که تمام کیفرهایی که ممکن است به‌بار آورده باشند، به‌طور کامل در این جهان دریافت کنند و هیچ‌گونه کیفری برای آنها در جهان آخرت باقی نمانده باشد و در نتیجه در آن جهان پاداش کامل دریافت کنند (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۸۰۶). به عبارت دیگر، رنج درستکاران کیفر آنها بر روی زمین به‌دلیل گناهان اندکی است که مرتکب شده‌اند تا پاداش آنها در جهان آخرت (بهشت) به‌سبب درستکاری‌های زیادشان بتواند کامل باشد؛ و برعکس، کامیابی شیرین پاداش آنها بر روی زمین به‌دلیل درستکاری‌های اندکی است که انجام داده‌اند تا کیفر آنها در جهان آخرت به‌سبب گناهان زیادشان بتواند کامل باشد (رایسینوویتز، ۲۰۰۷م، ج ۱۷، ص ۲۷۰؛ آگوس، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۳). بنابراین، اگر انسان درستکاری در این جهان رنج می‌کشد، برای این است که او در درستکاری‌اش واقعاً کامل نیست؛ و اگر انسان شیرینی در این جهان کامیاب می‌شود، به این دلیل این است که او در شرارتش واقعاً کامل نیست (آگوس، ۲۰۰۷م، ج ۷، ص ۷۵۳).

باری، گاهی انسان درستکار رنج می‌کشد، به‌سبب گناهان اندکی که مرتکب شده است تا پاداش او در جهان آخرت کامل باشد؛ و گاهی انسان شیرین کامیاب می‌شود، به‌دلیل نیکی‌های اندکی که انجام داده است تا کیفر او در جهان آخرت کامل باشد.

۶-۲. کوتاه بودن رنج درستکاران و کامیابی شریران، و سرانجام کامیاب شدن درستکاران و نابود شدن شریران در همین جهان

یکی دیگر از پاسخ‌های عهد قدیم به مسئله رنج درستکاران و کامیابی شریران این است که هر کسی بر طبق اعمالش پاداش یا کیفر خود را دریافت می‌کند. اگر آدمی شخص درستکاری را می‌بیند که رنج می‌کشد و شخص شریری را می‌بیند که کامیاب می‌شود، این مشاهده تنها توهم است. کامیابی ظاهری شریران کوتاه است؛ سرانجام درستکاران به‌طور کامل کامیاب خواهند شد و شریران به‌طور کامل نابود خواهند شد و کیفر عادلانه‌شان را دریافت خواهند کرد (وینفیلد، ۱۹۸۷م، ج ۷، ص ۴۹۵؛ رایبِنوُوِیْتز، ۲۰۰۷م، ج ۱۷، ص ۲۶۹): «دل تو به‌جهت گناهکاران غیور نباشد؛ اما به‌جهت ترس خداوند، تمامی روز غیور باش؛ زیرا که البته آخرت هست و امید تو منقطع نخواهد شد» (کتاب امثال سلیمان ۲۳: ۱۷-۱۸): «همچنین حکمت را برای جان خود بیاموز؛ اگر آن را بیابی، آن‌گاه اجرت خواهد بود و امید تو منقطع نخواهد شد. ای شریر! برای منزل مرد عادل در کمین مباش و آرامگاه او را خراب مکن؛ زیرا مرد عادل، اگرچه هفت مرتبه بیفتد، خواهد برخاست؛ اما شریران در بلا خواهند افتاد. چون دشمنت بیفتد، شادی مکن و چون بلغزد، دلت وجد نماید؛ مبدا خداوند این را ببیند و در نظرش ناپسند آید و غضب خود را از او برگرداند. خویشتن را به‌سبب بدکاران رنجیده مساز و بر شریران حسد مبر؛ زیرا که به‌جهت بدکاران اجر نخواهد بود و چراغ شریران خاموش خواهد گردید» (کتاب امثال سلیمان ۲۴: ۱۴-۲۰): «وقتی که شریران مثل علف می‌رویند و جمیع بدکاران می‌شکفند، برای این است که تا به ابد هلاک گردند» (کتاب مزامیر ۹۲: ۷): «به‌سبب شریران، خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه‌انگیزان حسد مبر؛ زیرا که مثل علف به‌زودی بریده می‌شوند و مثل علف سبزه پژمرده خواهند شد» (کتاب مزامیر ۳۷: ۱-۲).

راه‌حل مشابهی در روایت نثری کتاب *ایوب* دیده می‌شود: حضرت ایوب علیه السلام انسان درستکار، بعد از رنج طولانی به کامیابی سابقش باز گردانده می‌شود (وینفیلد، ۱۹۸۷م، ج ۷، ص ۴۹۵) و اموالی که او قبل از امتحان ایمانش صاحب بود، بعد از اینکه آن امتحان را با موفقیت می‌گذراند، دو برابر دریافت می‌کند (رایبِنوُوِیْتز، ۲۰۰۷م، ج ۱۷، ص ۲۶۹): «و برای او هفت پسر و سه دختر زاییده شدند و اموال او هفت هزار گوسفند و سه هزار شتر و پانصد جفت گاو و پانصد الاغ ماده بود و نوکران بسیار کثیر داشت و آن مرد از تمامی بنی‌مشرق بزرگ‌تر بود» (کتاب ایوب ۱: ۲-۳): «و خداوند آخر ایوب را بیشتر از اول او مبارک فرمود؛ چنان‌که او را چهارده هزار گوسفند و شش هزار شتر و هزار جفت گاو و هزار الاغ ماده بود. و او را هفت پسر و سه دختر بود» (کتاب ایوب ۴۲: ۱۲-۱۳).

باری، گاهی رنج انسان درستکار و کامیابی انسان شریر زودگذر است و در آخر در همین دنیا، اولی کامیاب و دومی نابود خواهد شد.

## ۲-۷. رنج درستکاران نتیجه تقدیر خدا

یکی دیگر از پاسخ‌های عهد قدیم به مسئله رنج درستکاران و کامیابی شریران این است که هر چیزی را خدا تقدیر کرده است و هیچ چیزی را انسان نمی‌تواند تغییر بدهد. بنابراین، انسان نباید شکوه کند؛ بلکه تا وقتی که می‌تواند، از زندگی لذت ببرد؛ وگرنه هر چیزی در زندگی بیهودگی است (وینفیلد، ۱۹۸۷م، ج ۷، ص ۴۹۵): «و تمامی کارهایی را که زیر آسمان کرده می‌شود، دیدم که اینک همه آنها بطلت و در پی باد زحمت کشیدن است. کج را راست نتوان کرد و ناقص را به‌شمار نتوان آورد» (کتاب جامعه ۱: ۱۴-۱۵).

باری، گاهی رنج درستکاران و کامیابی شریران بنا بر تقدیر خداست؛ زیرا که او مالک علی‌الاطلاق است و در مُلک خود هرطور که بخواهد، می‌تواند تصرف کند و کسی را بر او اعتراض نیست.

## ۲-۸. رنج درستکاران و مقام (dwelling) خدا

در غزل‌های دینی کتاب *مزامیر*، به‌ویژه در مزمور ۷۳، یک پاسخ تا حدی عرفانی به مسئله پاداش‌های ظاهراً غیرعادلانه یافت می‌شود. این مزمور نویس را مسئله شریران «اینک اینان شریر هستند که همیشه مطمئن بوده، در دولت‌مندی افزوده می‌شوند» (مزامیر ۷۳: ۱۲) متحیر می‌کند؛ اما پاسخ را در مقام خدا پیدا می‌کند. او از طریق توکل به خدا کاملاً احساس اطمینان و امنیت می‌کند: «اگرچه جسد و دل من زائل گردد، لیکن صخره دلم و حصه من خداست تا ابدالآباد؛ زیرا آنانی که از تو دورند، هلاک خواهند شد و آنانی را که از تو زنا می‌کنند، نابود خواهی ساخت؛ و اما مرا نیکوست که به خدا تقرب جویم. بر خداوند یهوه توکل کرده‌ام تا همه کارهای تو را بیان کنم» (مزامیر ۷۳: ۲۶-۲۸) (وینفیلد، ۱۹۸۷م، ج ۷، ص ۴۹۵).

باری، گاهی پاسخ به مسئله رنج درستکاران و کامیابی شریران را می‌توان در «بودن نزد خدا» و «گذاشتن پناهگاه خود در او» پیدا کرد (ر.ک: کتاب مقدس ترسایان، ۲۰۱۵، مزامیر ۷۳: ۲۸).

## ۲-۹. رنج درستکاران به دلیل تقبل مسئولیت سنگین عروج دیگران

یکی دیگر از پاسخ‌های عهد قدیم به مسئله رنج درستکاران این است که آدمی ممکن است رنج بکشد، نه برای اینکه او کار نادرست انجام داده است؛ بلکه برعکس، برای اینکه او کار درست انجام داده است. در اینجا بین رنجی که از گناه ناشی می‌شود و رنجی که از عمل پرهیزگارانه ناشی می‌شود، تمییز داده می‌شود. انسان وقتی که مسئولیت‌های خود را از طریق رنج خودش تصدیق می‌کند، با شکل جدیدی از رنج که از تقبل مسئولیت‌های سنگین دیگران ناشی می‌شود، مواجه می‌گردد. در این مورد، رنج بخش ضروری مسئولیت سنگین عروج است؛ زیرا آن از تقبل وظایفی که درستکاران به‌عهده می‌گیرند، ناشی می‌شود. عمل کردن پرهیزگارانه، ضرورتاً مستلزم رنج - نه رنج کم و کوتاه، بلکه شدید و دردناک - است. آموزه تنبیهات عشق (chastisements of love) تصریح می‌کند که خدا مسئولیت‌های سنگین ویژه را به کسانی می‌دهد که توانایی خاصی برای پذیرفتن آنها دارند. درستکاران

مسئولیت سنگین عروج را به‌عهده می‌گیرند. بر طبق کتاب *مزامیر*، «خداوند مرد عادل را امتحان می‌کند» (کتاب مزامیر ۱: ۵). در تفسیر ربیانی (rabbinical) این آیه، ربی یوناتان (Rabbi Yonatan) می‌نویسد: کوزه‌گر ظرف‌های ترک‌خورده را امتحان نمی‌کند؛ ارزشش را ندارد که حتی یک بار به آنها ضربه بزند؛ زیرا آنها خواهند شکست؛ اما او به ظرف‌های سالم ضربه می‌زند؛ زیرا هرچه به آنها ضربه بزند، نمی‌شکنند. درست همین‌طور، خدا نه بدکاران، بلکه درستکاران را امتحان می‌کند. ربی جو بن هنیئا (Rabbi Joe b. Hanina) گفت: «فروشنده کتان که می‌داند که کتانش خوب است، به آن ضربه می‌زند؛ زیرا آن با ضربه زدن او عالی‌تر می‌شود و وقتی که او به آن ضربه می‌زند، آن بیشتر می‌درخشد؛ اما وقتی که او می‌داند که کتانش بد است، او اصلاً به آن ضربه نمی‌زند؛ زیرا آن پاره خواهد شد. همین‌طور هم خدا، نه بدکاران، بلکه درستکاران را امتحان می‌کند». ربی ایلعازر (R. Elazar) گفت: «مردی دو گاو ماده، یکی قوی و دیگری ضعیف، داشت. او به کدام یک از آن دو یوغ خواهد زد؟ مطمئناً به گاو قوی. همین‌طور هم خدا درستکاران را امتحان می‌کند».

هنری اسلونی‌سکی (Henry slonimsky) این عقیده را که کسانی می‌توانند این مسئولیت سنگین را تقبل کنند که باید آن را به‌دوش بگیرند، قلب تعلیم‌مدراسی دربارهٔ رنج تفسیر می‌کند و می‌گوید:

پاسخ به این سؤال که چرا آدم‌های خوب باید به‌خاطر نقص جهان رنج بکشند، این واقعیت خواهد بود که جهان در حال رشد، در حال توسعه، و بنابراین به‌طور اجتناب‌ناپذیری ناقص است و باید شخصی به اندازهٔ کافی شریف وجود داشته باشد که به‌عنوان مثال بینش جدید، مسئولیت سنگین آن را تقبل کند؛ یعنی اینکه اشراف‌زادگی موظف می‌کند، اشراف‌زاده بودن یک خرجی هم دارد.

وظیفهٔ به‌عهده گرفتن مسئولیت‌های سنگین دیگران را تنها آن افرادی می‌توانند انجام دهند که تجربه و فهم خود آنها از رنج، آنها را قادر ساخته است (بمطابق، ج ۲۰۰۵، ص ۱۴، ص ۸۸۰۵). به عبارت دیگر، بنا بر سنت یهودی، این جهان ناقصی است که در آن، عدالت و صلح فراهم نشده‌اند؛ بلکه باید به‌دست آورده شوند. رنج، بخش ضروری تکمیل کردن این جهان است و افرادی که مسئولیت سنگین تلاش برای تکمیل کردن آن را به‌عهده می‌گیرند نیز رنج می‌کشند (همان، ص ۸۸۰۶). ربی یهوئوشوعا بن لیوی (Rabbi Yehoshu'a ben Levi) گفت: «آن که رنج‌های این جهان را با طیب خاطر قبول می‌کند، نجات را برای جهان به‌ارمغان می‌آورد» (همان، ص ۸۸۰۵).

باری، گاهی رنج درستکاران به‌دلیل تقبل مسئولیت سنگین عروج دیگران است؛ زیرا که جهان ناقص است و به اشخاص درستکاری نیاز است که آن را تکمیل کنند. بدین جهت، آنها رنج می‌کشند. دلیل اینکه چرا مسئولیت سنگین عروج دیگران بر دوش درستکاران گذاشته شده، این است که خدا مسئولیت‌های ویژه را به کسانی می‌دهد که توانایی خاصی برای به‌عهده گرفتن آنها دارند.

## ۱۰-۲. رنج درستکاران و کامیابی شیرین فراتر از درک عقل انسان

یکی دیگر از پاسخ‌های عهد قدیم به رنج درستکاران این است که مؤلف کتاب *توب* قاطعانه این نظر را رد می‌کند که اگر شخصی در جهان خدا رنج می‌کشد، برای این است که او گناه کرده. حضرت ایوب علیه السلام در حالی که بی‌گناهی خودش را اعلام می‌کند، درخواست می‌کند که بداند چرا او رنج می‌کشد. اعتراض او هیچ پاسخ قانع‌کننده‌ای را دریافت نمی‌کند؛ اما سرانجام او متقاعد می‌شود خدایی را قبول کند که هیچ کسی نمی‌تواند راه‌هایش را به‌طور کامل درک کند و آدمی نباید هیچ‌گونه پاداشی را در برابر اعمالش انتظار داشته باشد. ایمان حقیقی ایمانی است که مستقل از نفع مادی است (وینفیلد، ۱۹۸۷م، ج ۷، ص ۴۹۵؛ کارف و گلدنبرگ، ۱۹۹۳م، ص ۳۰۶): «... لکن من به آنچه نفهمیدم، تکلم نمودم؛ به چیزهایی که فوق از عقل من بود و نمی‌دانستم» (کتاب ایوب ۴۲: ۳). همچنین در سفر خروج ۳۳: ۱۹ آمده است: «... و رأفت می‌کنم بر هر که رئوف هستم و رحمت خواهم کرد بر هر که رحیم هستم».

همچنین گرایشی در سنت ربّانی، مسئله رنج درستکاران و کامیابی گناهکاران را یکی از حوزه‌های فراتر از درک کامل انسانی می‌داند. در رساله مشهور *آوت* (Avot)، بخشی از *میشتا* (the Mishnah)، ربّی یائانی (Rabbi Yanna'i) می‌گوید: «در توان ما نیست که نه علت کامیابی شیرین را بیان کنیم و نه علت رنج درستکاران را» (به نقل از: بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۰۶؛ لانگ، ۲۰۰۲م، ص ۱۹۲). مرگ وحشتناک به‌وسیله شکنجه عقوبت بن یوسف به‌دست رومیان (قرن دوم میلادی) این نکته را روشن می‌کند. گفته می‌شود که در کوه سینا به حضرت موسی علیه السلام {مکاشفه علم و حکمت عقوبت در تفسیر تورات داده می‌شود و سپس مکاشفه دیگری از شهادت این ربّی داده می‌شود. وقتی حضرت موسی علیه السلام به خدا اعتراض می‌کند که «ای سرور جهان! آیا این تورات و این پاداش آن است؟» به او گفته می‌شود، «ساکت باش؛ زیرا که این طریقی است که من آن را تعیین کرده‌ام» (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۰۶).

باری، گاهی علت رنج درستکاران فراتر از حد درک ما انسان‌هاست و باید در این موارد ساکت بود و امر را به خدا واگذار کرد.

## ۳. رنج خدا همراه با رنج انسان

بر طبق عهد قدیم، خدا همراه با انسان رنج می‌کشد (شوارتز چایلد، ۲۰۰۷م، ج ۱۹، ص ۲۹۲؛ بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۰۶): او خدایی است که از مخلوقاتش مراقبت می‌کند و با وجود این نمی‌تواند مانع رنج آنها شود. او آن قدر به‌شدت نگران سرنوشت انسانی است آنچه که مردان و زنان انجام می‌دهند، او را مستقیماً متأثر می‌کند: «او در همه تنگی‌های ایشان به تنگ آورده شد...» (کتاب اشعیا نبی ۶۳: ۹): «... من در تنگی با او خواهم بود...» (کتاب

مزامیر ۹۱: ۱۵)؛ «و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصوّر از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است. و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت» (سفر پیدایش ۶: ۵-۶). همچنین این موضوع به‌طور تأثرانگیزی در چندین مِذْراش توضیح داده شده است که در آنها خدا تصویر می‌شود که به‌خاطر هرگونه رنج و مصیبتی در جهان اشک می‌ریزد و نیازمند تسلی است: «وقتی که خدا فرزندانش را به‌یاد می‌آورد که در میان ملت‌های جهان در رنج به‌سر می‌برند، باعث می‌شود که دو قطره اشک از او در اقیانوس فرود بیاید و صدایی از این طرف جهان تا طرف دیگر جهان شنیده می‌شود» (بمپراد، ۲۰۰۵م، ج ۱۴، ص ۸۸۰۶).

### نتیجه‌گیری

بنا بر کتاب مقدس عبری (عهد قدیم) درستکاران به هدف تطهیر و تأدیب الهی، تقبّل مسئولیت سنگین عروج دیگران، کفاره بنی‌اسرائیل یا همه مردم جهان، و امتحان رنج می‌کشند. همچنین گفته می‌شود که رنج درستکاران کوتاه است و در آخر در همین جهان، درستکاران رنج‌کش کامیاب خواهند شد و شریران کامیاب نابود خواهند شد. همچنین گاهی درستکاران رنج می‌کشند تا تمام کيفری را که ممکن است به‌بار آورده باشند، به‌طور کامل در این دنیا ببینند و در آخرت پاداش کامل را دریافت کنند؛ و شریران کامیاب می‌شوند تا تمام پاداش‌هایی را که ممکن است شایسته آنها باشند، به‌طور کامل در این دنیا بگیرند و در آخرت کيفر کامل را دریافت کنند. بنا بر نظرگاهی دیگر، رنج درستکاران فراتر از حدّ درک ماست. گاهی نیز گفته می‌شود که رنج درستکاران بنا بر تقدیر خداست. در نگاهی دیگر، رنج درستکاران به‌دلیل گناه پدران آنها، و کامیابی شریران به‌سبب درستکاری پدران آنهاست. همچنین گاهی پاسخ به رنج درستکاران و کامیابی شریران را می‌توان در بودن نزد خدا یافت. گاهی نیز گفته می‌شود که خدا می‌خواهد مانع رنج درستکاران شود؛ ولی نمی‌تواند؛ در نتیجه، خود همراه با آنها رنج می‌کشد.

## منابع

- کتاب مقدس ترسایان، ۲۰۱۵م، مقدمه و توضیحات طبق ترجمه بین‌الکلیسائی کتاب مقدس، ایران، انجمن کتب مقدسه.
- کتاب مقدس یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید، ۸۸-۱۹۸۶م، تهران، کانون یوحناى رسول.
- پترسون، مایکل؛ هاسکر، ویلیام؛ رایسنباخ، بروس؛ بازینجر، دیوید، ۱۳۸۳، *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه‌ی دین*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.
- پورمحمدی، نعیمه، ۱۳۹۲، «پاسخ به مسئلهٔ اگزیستانسی شُر در الهیات مسیحی»، *جستارهای فلسفهٔ دین*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۴، ص ۱۹-۳۷.
- رستمی، یدالله، ۱۳۹۳، «خدا و مسئلهٔ شر (درد و رنج)»، *فلسفه دین*، ش ۲۱، ص ۷۴۱-۷۵۸.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۷، «ارزیابی نظریهٔ شوپنهاور دربارهٔ معنای زندگی»، *پژوهشنامهٔ فلسفهٔ دین (نامهٔ حکمت)*، ش ۳۱، ص ۱۰۹-۱۲۶.
- صادق‌نیا، مهرباب و محمدباقر نائیبی، ۱۳۹۴، «کارکردهای تربیتی و اخلاقی رنج در الاهیات یهودی»، *پژوهش‌های ادیبانی*، ش ۶، ص ۸۹-۱۱۶.
- قرجالو، داود و محسن جاهد، ۱۳۹۱، «پاسخ سوئین‌برن به مسئلهٔ شر»، *فلسفه دین*، ش ۱۲، ص ۵-۳۶.
- یزدانی، عباس، ۱۳۸۸، «ارزیابی پاسخ پلنتینگا به "مسئله شر به مثابه دلیلی علیه وجود خدا"»، *قیسات*، ش ۵۲، ص ۷۱-۹۴.
- Agus, Jacob Bernard, 2007, "Good and Evil", in *Encyclopaedia of Judaica*, Fred Skolnik (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, In Association With Keter Publishing House LTD., Jerusalem, vol 7, p 752-754.
- Bemporad, Jack, 2005, "Suffering", in *The Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, vol 14, p 8804-8809.
- Bertocci, Peter A, 2005, "Theism", in *The Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, vol 13, p 9102-9108.
- Carr, David M, 2010, *An introduction to the Old Testament: sacred texts and imperial contexts of the Hebrew Bible*, New York: Wiley-Blackwell.
- Crenshaw, James L, 2005, *Defending God: biblical responses to the problem of evil*, Oxford: Oxford University Press.
- Fox, Michael V, 2004, "Proverbs, Introduction and Annotations" in *The Jewish Study Bible*, Editors: Adele Berlin and Marc Zvi Brettler, New York: Oxford University Press.
- Green, Ronald M, 2005, "Theodicy", in *The Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, vol 13, p 9111-9121.



Harris, Stephen L, 2011, *Understanding the Bible*, New York: McGraw-Hill.

Harris, Stephen L. and Platzner, Robert L, 2008, *The Old Testament: an introduction to the Hebrew Bible*, New York: McGraw-Hill.

Karesh, Sara E., Hurvitz, Mitchell M, 2006, *Encyclopedia of Judaism*, New York: Infobase Publishing.

Karff, Rabbi Samual E; Goldenberg, Robert, 1993, "Judaism", in *Religions of the World*, Forman, Robert K. C (general editor), New York: ST. Martin's Press.

Kilpatrick, T. B, 1921, "Suffering", in *The Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (editor), New York: Charles Scribner's Sons, vol 12, p 1-10.

Lange, Nicholas de, 2002, *An Introduction to Judaism*, Cambridge: Cambridge University Press.

Levinson, Bernard M, 2004, "Deuteronomy, Introduction and Annotations" in *The Jewish Study Bible*, Editors: Adele Berlin and Marc Zvi Brettler, New York: Oxford University Press.

Morrison, Martha A., Brown, Stephen F, 2009, *Judaism*, New York: Infobase Publishing.

Neusner, Jacob, 2006, *Judaism: the basics*, London and New York: Routledge.

Noss, John B, 1955, *Man's Religions*, New York: The Macmillan Company, Tenth Printing.

Peake, Arthur S, 1947, *The Problem of Suffering in the Old Testament*, London: The Epworth Press (Edgar C. Barton).

*Pirkei Avos Synthesized The Chapters of the Fathers With Inspiring and Integrated Elucidations Based on Traditional Jewish Commentaries & The Rosh's Orchos Chayim the Pathways to Life, With a Special Addition of All 613 Commandments in Prose Accurately Following the Rambam's Seminal "Sefer Hamitzvos"*, 2014, Translated and Compiled by Reuven Brauner, 18 Rechov Shwartz, Raanana, Israel.

Rabinowitz, Louis Isaac, 2007, "Reward and Punishment", in *Encyclopaedia of Judaica*, Fred Skolnik (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, In Association With Keter Publishing House LTD., Jerusalem, vol 17, p 269-270.

Schmitt, Elmer William John, 1943, *Sin and forgiveness in the Old Testament*, A Thesis Submitted to the Division of Bible in Drew Theological Seminary of Drew University in partial

fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Major Professor: Dr. John Paterson, Madison, New Jersey.

Schwarzschild, Steven S, 2007, "Suffering", in *Encyclopaedia of Judaica*, Fred Skolnik (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, In Association With Keter Publishing House LTD., Jerusalem, vol 19, p 291-292.

Weinfeld, Moshe, 1987, "Israelite Religion", in *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (editor in chief), New York: Macmillan Publish Ing Co; London: Collier Macmillan Publishers, vol 7, p 481-497.

